

حسنعلی حکمت (بخرد)

## فارسینامه ناصری

این سخنرانی در یکی از جلسات اخیر انجمن قلم بوسیله دانشمند محترم آقای حکمت ایراد شد و از نظر اهمیت موضوع بدرج آن مبادرت گردید.

موضوع کنفرانس بنده قبلاً عشایر و ایلات فارس بود و تا آنجا که ممکن بود مطالب قابل عرضی تهیه کردم ولی بعداً بعضی از آقایان و موالیان محترم از جمله جناب آقای رهنما نظر دادند که چون این موضوع در حد خود بسیار مهم است و تقریباً شامل نصف جمعیت فارس میشود شایسته است که از هر نقطه نظر اعم از تاریخی و سیاسی و اقتصادی بتفصیل بحث شود و جنبه های علمی و ادبی و فولکلور و نام رجال علم و ادب عشایر نیز برده شود لهذا این کار در این مدت مختصر صورت پذیر نمیشد اصلح این بود که از این موضوع فعلاً صرف نظر شود امیدوارم بتوانم موضوع ایلات و عشایر فارس را اضافه بر یادداشت هایی که تهیه کرده ام تکمیل نموده بصورت رساله جامعی که از هر حیث کامل و مفید باشد تقدیم دارم. از دوسه روز قبل که قطعاً از عرض این موضوع منصرف شده ام موضوع دیگری که شایسته بحث در انجمن قلم باشد در نظر گرفتم و آن بحث درباره کتب فارسینامه ناصری است که یکی از کتب مفید و در حد خود جامع است و هر چند بواسطه ضیق وقت مطالعه چندانی بعمل نیامده ولی چون گوشها سالهاست به نطقهای مفصل که من تجلا و بدون مطالعه ایراد میشود آشنایی دارد مقدار زیادی رفع نگرانی از بنده میشود و مثل اینست که اساساً راجع به نطق و سخنرانی در کشور ما چندان مطالعه قبلی و

تهیه یادداشت ضروری نیست و هر کس بدون مطالعه و ارتجالی صحبت کند بیشتر دلیل بر کمال فضل و بصیرت او محسوب میشود و مصداق این شعر که میگوید:

سخن‌دان سنجیده مرد کهن      بیندیشد آنگه بگوید سخن

شایسته متجددین نیست و برای مردان کهن خوبست .

کتبیکه بنام فارس نامه نوشته شده آنچه بنده در نظرم دارم یکی **فارس نامه ابن بلخی** است که در عهد سلطنت سلطان محمد سلجوقی نوشته شده و در جزء ۶ موقوفه کیپ بطبع رسیده است و دیگری **فارس نامه میرزا جعفر خان خر موی** است که در اواخر سلطنت محمد شاه نوشته شده و در تبریز با چاپ سنگی بطبع رسیده است و آخرین آنها **فارس نامه ناصری** است که موضوع بحث امر وزماست .

نویسنده فارسنامه ناصری حاج میرزا حسن شیرازی مشهور به فسائی است و سبب تألیف کتاب را چنین ذکر میکند که در سال ۱۲۸۹ هجری بتشویق شاهزاده ظل السلطان نقشه فارس را تهیه نموده و در سال ۱۲۹۳ بتشویق شاهزاده حاج معتمد الدوله فرهاد میرزا فرمانفرمای فارس آن نقشه را با ذکر تمام دهات و جزایر و چشمه سارها و رودخانه ها و کوههای فارس تکمیل و به ناصرالدین شاه تقدیم میدارد و در سال ۱۲۹۶ دستخطی از طرف ناصرالدین شاه بحاج معتمد الدوله صادر میشود که اکتفا بنقشه نشود و کتابی در جغرافیای فارس نوشته ضمناً وقایع اتفاقیه هر جائی را بمناسبت محل ینگارد باین جهت کتاب فارسنامه را بنام ناصرالدین شاه **فارس نامه ناصری** نامیده است و در سال ۱۳۱۲ و اوایل ۱۳۱۳ موفوق بطبع آن شده و در بعضی از نسخ آن اختلافات جزئی در کتابت بعضی از صفحات بچشم میرسد و معلوم میشود بعضی صفحات دو مرتبه نوشته شده و مجدداً بطبع رسیده است .

نکته پوشیده ای که بنظر بنده راجع باین کتاب میرسد این است که مقصود از تألیف فارسنامه فقط جنبه علمی و ادبی و تاریخی نبوده بلکه علت اصلی آن بوده است که مؤلف و مصنف فارسنامه بوسیله نوشتن این کتاب خواسته است رفع ظلم از خود نماید و املاک و مزارع موقوفه اجدادی خود را که در تصرف اشخاص ذی نفوذ بوده است از دست آنها خارج کرده و بتصرف موقوفه درآورد و در حقیقت میتوان این

کتاب را بمنزله دادنامه‌ای محسوب داشت که نویسنده کتاب باستان پادشاه وقت تقدیم داشته و در ضمن ذکر مطالب کلی در همه جا درخواستی نموده و احقاق حقوق موقوفه را مورد تقاضا قرار داده و حتی میتوان گفت نقشه فارس را هم بهمین منظور تنظیم نموده است زیرا در صفحه اول فارس نامه مینویسد نقشه فارس را پس از تکمیل تقدیم آستان پادشاه نموده در کناره آن عریضه عرض نمودم که قریه سهل آباد مشهور به وقفی از موقوفات اجدادی این بنده است که فلان و فلان غصباً تصرف کرده اند و استدعای استرداد آنها را نموده است و در ضمن تاریخ فارس فرامین سلاطین سلف را در اثبات و قفیت املاک موقوفه اجدادی خود درج نموده و در آخر قسمت اول کتاب نیز فرمان ناصرالدین شاه و حکم دیوان خانه فارس را که بر حقانیت مشارالیه صادر شده عیناً نقل کرده است و در قسمت دوم کتاب نیز بمناسبت محل مدارک و اسناد خود را درج و بالاخره بطبع رسانیده است و بطور کلی در سراسر کتاب این مقصد اصلی بچشم میخورد و در ضمن نویسنده کتاب نظر دیگری هم داشته است و آن اینکه سعی کرده است علونسب خود را بنحویبازری بیان کند و اجداد نامی خود را با ذکر تمام محامد صفات و مقامات ارجمند و تألیفات عالیه که داشته اند معرفی نماید و نیز شرح حال خود را بتفصیل تمام نظماً و نثرآنگاشته است که در سال ۱۲۳۷ هجری بدنیا آمده و سه ماه قبل از تولد وی پدرش فوت شده و اسم پدر را بوی گذاشته اند. در طفولیت مادرش نیز فوت شده جده اش از وی نگاهداری کرده است و بعد از ده سال جده او نیز میمیرد و برادرش تکفل او را بعهده میگیرد و بعداً برادرش نیز او را آزاد میگذارد که بدنبال تحصیل علم یا کسب معاش برود ولی اودامن همت بر کهر زده بتحصیل علوم می پردازد و ادبیات فارسی و عربی و ریاضی و فقه و طب را آموخته بشغل طبابت اشتغال ورزیده است و در عین حال بجمع آوری و تألیف و ترجمه و تفسیر قرآن پرداخته و بطبع رسانیده است و چند سفر به عتبات مشرف شده و در ضمن خود را واجب الحج شناخته بسفر حج رفته است.

در سال ۱۲۸۹ تولیت املاک موقوفه اجدادی که وقف بر مدرسه منصوریه

شیراز و قبور بعضی از اجداد نویسنده نیز در آنجاست بر عهده وی مقرر شده است در

صفحه ۸۹ کتاب در ذکر ساکنین محله «سردزک» شیراز ضمن شرح حال خویش مبارزات خود را در احیای املاک موقوفه و استرداد آنها از دست غاصبین و معارضین مفصلاً بیان کرده است، در سال ۱۳۰۴ که در حقیقت خاتمه گفتار دوم فارسنامه است سن خود را ۶۳ سال می‌شمارد و ضمن اشعاری تحت عنوان تنقلات شرح زندگانی خود را به نظم در آورده است که چند شعر آنرا میخوانم :

ز هجرت هزار و دو صد رفته بود	پس از هفت و سی کامدم در وجود
خجسته شبی گشت می‌لاد من	که فرمود مادر بمن ای حسن
برفت از برم آنکه بودت پدر	بجائی که واپس نیاید دگر
سه ماه است بابت شد اندر بهشت	غمم داد و بی غمگسارم بهشت
تورا چون حسن بود نام پدر	بیادش حسن گفتمت ای پسر
چو مادر مرا مهر بر دل نشانند	برفت از برم ، مادرش باز ماند
توجه نمود او مرا مو بمو	چو ده سال بگذشت هم رفت او
برادر بمن گفت کای نور چشم	مرا بر تو نبود دگر مهر و خشم
بهر کار خواهی قدم پیش نه	دو پا را به چشم بد اندیش نه
ز دانشوران دانش آموختم	بنخاطر همه دانش اندوختم
بشصت و سه عمرم کنون در رسید	طبیعت ز تدبیر دم در کشید

در آخر کتاب مینویسد: «اکنون که سال به ۱۳۰۴ هجری رسیده خاطر فاتر از اشتغال آنچه را داشته بودم رنجیده مدتهاست گنج قناعت در کنج خانه دیده آسایش دارم.» و باز جای دیگر مینویسد: «که هیچ روزی بر من نگذشته که مطالعه نداشته باشم و لوچند سطر یادداشتی در مطالب علمی نوشته باشم.» معلوم میشود عشق بتحصیل و خواندان و نوشتن و ضبط مطالب را در نهاد او خداوند بودیعه گذاشته و علت موفقیت وی نیز همین امر بوده است. تا این جا شرح حال مؤلف و مصنف کتاب فارس نامه را خاتمه میدهم و می‌پردازم ببحث در خود کتاب .

کتاب فارسنامه شامل دو گفتار است گفتار اول راجع بتاریخ فارس است که مشتمل بر ۳۴۶ صفحه است بقطع تقریباً ۴۰ در ۲۵ سانتیمتر بترتیب سال از

سال دهم هجری حوادث فارس را در هر سال تا ۱۳۰ هجری بر سبیل اختصار برشته تحریر در آورده است و در آخر کتاب مینویسد که حوادث تاریخی را تا سال ۱۳۱۲ تهیه کرده بودم ولی مفقود شده است و بواسطه ضعف چشم امکان تجدید آن را ندارم گفتار اول را میتوان گفت که بیشتر تألیف و خلاصه‌یی از تواریخ مورخین اسلامی است فقط زحمت مولف این است که جستجو کرده و حوادث هر سال فارس را از تواریخ گذشتگان بیرون کشیده خلاصه آنرا در طی همان سال ذکر کرده است قسمتی که اهمیت خاص دارد آن است که مولف بر روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس دسترسی پیدا کرده و از اواخر سلطنت نادرشاه که تقی خان بیگلربیگی فارس بر نادرشاه یانگی شده از یادداشت‌های روزنامه مذکور نقل کرده است و میرزا محمد حوادث جاریه حیات خود را که مصادف با اواخر سلطنت نادرشاه و سلسله زندیه است برشته تحریر کشیده و بسیار سندی زنده و روشنی است از حوادث آن روزگار و قسمت مختصری را که میتوان تصنیف شمرد تاریخ سالهای معاصر خود مصنف است که آنچه دیده و دانسته سال بسال نوشته است. گفتار دوم که ۳۳۹ صفحه و بقطع گفتار اول است مشتمل است بر جغرافیای فارس و ضمناً شرح احوال علما و شعرا و تجار و اعیان و خوانین فارس. گفتار دوم با ارزش تر از گفتار اول است زیرا اولاً بیشتر آن گفتار تصنیف است که در اثر زحمت و ابتکار خود مصنف تهیه شده و بنا بر این نسخه منحصر بفرد است ثانیاً با فقدان وسایل علمی تألیف و تهیه چنین کتابی بسیار مشکل بوده و مخصوصاً تهیه نقشه فارس و تعیین عرض و طول جغرافیائی بدون آنکه از نقشه‌های خارجی کپی کرده باشد و خود مصنف بطوریکه می نویسد بهمه جا سفر کرده و بعین و مشاهده نقشه فارس را ترسیم کرده است و نقشه کوچکی نیز از فارس در متن کتاب جا داده است.

قسمت اول گفتار دوم تحت عنوان مقدمات علمیه است و مصنف سعی کرده مقدمات علمی جغرافیا و هیئت و کرویت زمین و خط استوا و دوائر عرضیه و طولیه و علل گرما و سرما و اصطلاحات معموله و شناختن عرض و طول و موقعیت جغرافیائی امکان و تعیین درجات طولی و عرضی و دوائر فلکیه و غیره را بزبان

ساده بیان نماید که هر خواننده درك نماید ضمناً برای خوش آمد فرهاد میرزا و معتمدالدوله که مشوق و مؤید منصف است از کتاب جام جم فرهاد میرزا چند شعر از فرهاد میرزا را که راجع بتفاوت درجات طولیه بمیل انگلیسی بوده نقل کرده است و هر درجه را ۹۶ میل انگلیسی که مساوی با ۶۰ میل جغرافیائی است محسوب داشته و بدینست که آن چند شعر را در اینجا بنده هم نقل کنم متأسفانه يك مصرع آنهم درست مقصود را نمی‌رساند و میشود گفت که ضرورت شعری باعث از بین رفتن معنی شده است .

در انگلند اهل ریاضی گرفته‌اند	با میل يك درج را اندر حساب سطر <sup>۱</sup>
از خط استوا چو روی سوی هر دو قطب	در طول اختلاف کنان این ثمر فقط
در طول هر درج بشود کاسته ز میل	گویم بر راستی که نیفتی تو در غلط
در عرض ده تفاوت چندان نمی‌کند	در کاف سه شماری و در عرض لام نطر <sup>۲</sup>
در عرض میم نح بود و مح بعض نون	در شصت نصف يك درج آمد بر این نمطر <sup>۳</sup>

در عین ثلث شصت و نه آری تو در حساب

زان پس مرو که کشته شوی از یخ و سقظ

و جدولی از جام جم نقل کرده است بنام جدول تفاوت درجات طول جغرافیائی بمیل انگلیسی. در مقدمات علمیه زحمت بسیار کشیده و خط انحراف قبله شیراز را معین نموده که ۵۶ درجه و ۶۴ دقیقه جغرافیائی است و دوسه صفحه در این موضوع تخصیص داده سپس تقسیم فارس را در دوره قبل از اسلام ذکر کرده که پنج حصه یا کوره تقسیم می‌شده و بعد از اسلام بمبدل بچهار قسمت شده یکی بنام شبانکاره که فعلاً این اسم از بین رفته است و قسمت دیگری بنام فارس دیگری کوه کیلویه و چهارم لارستان است. بعداً بند کر شهر شیراز که مرکز فارس است پرداخته است اول طول و عرض جغرافیائی شیراز را بیان کرده و سپس بند کر دروازه‌ها و محلات شیراز پرداخته است و برای شیراز یازده محله ذکر کرده و هر محله را با ذکر اعیان و معروفین، تجار فارس جدا جدا پرداخته و اسامی آنها را هر کدام با شرحی از احوال و انساب آنها ذکر کرده است. در صفحه ۱۳۲

فهرستی تنظیم کرده بنام فهرست علمای شیراز که شامل ۶۶ نام است و شامل علمای سابق و لاحق است فهرست دیگری بنام وزرای شیراز است که شامل ۱۳۹ نفر است و فهرستی است بنام شعرای شیراز که شامل ۱۱۶ نام است بعداً در ۸ صفحه بشرح حالات علما پرداخته و در ۹ صفحه بشرح حالات شعرای شیراز پرداخته و از هر کدام چند شعری نقل کرده و یک صفحه و نیم بذکر وزرائی که از شیراز برخاسته اند اختصاص داده است بعداً بقاع شیراز را ذکر کرده و بعد مساجد شیراز و مدارس شیراز و بساتین شیراز. در این جا بحث راجع به شیراز را تمام کرده و بذکر ملوکات فارس پرداخته است و هر بلوکی را که ذکر کرده پس از وضعیت جنر افیائی و اقتصادی بیشتر بذکر اهالی مردم سرشناس آنجا پرداخته و همچنین آثار باستانی که در آن بلوک تا آنوقت کشف شده است با تصاویری از آنها نقل نموده در ضمن بلوکات به قصبات فارس نیز رسیده و بهمین ترتیب آنها را توصیف کرده و شرح احوال رجال سابق و لاحق آنجاها را داده است.

بعد از بلوکات فارس چند صفحه مختصری راجع بایلات فارس نوشته و تا اندازه‌یی که ممکن بوده شرح احوال آنها را یکی یکی داده و خوانین و کلانتران آنها را با انساب و شجره آنها ذکر نموده است. سپس بذکر جزایر فارس پرداخته یعنی جزایری که در خلیج فارس هستند بعد چشمه‌های فارس را شمرده خلیج فارس را بعنوان دریای فارس ذکر کرده و دریاچه‌های فارس را بیان کرده و سپس رودخانه‌ها را نام برده و برای هر کدام توضیحاتی داده است.

در آخر کتاب یک صفحه و نیم بنام طوایف فارس ذکر کرده و مقصودش از طوایف ایلاتی کوچک است که چادر نشین بوده و در محل محدودی بیلاق و قشلاق می‌کنند.

بعداً قلعه‌های فارس را ذکر کرده است و کتاب را با سامی کوه‌های مشهور و معدن‌های فارس خاتمه داده است. در آخر کتاب فهرست مفصل و دقیقی تنظیم نموده شامل چند قسمت. اول فهرست بلوکات فارس دوم فهرست اسامی نواحی بلوکات فارس که در یک صفحه گنجانیده است سوم فهرست دهات فارس را که در ۳۲ صفحه تنظیم

کرده زحمت بسیار کشیده و بوسیله این فهرست بسهولت میتوان هردهی از فارس را پیدا کرده و شرح حال آن را خواند. درخاتمه ارزش این کتاب را از چند حیث میتوان سنجد اول از نظر خلاصه‌ای که از تاریخ فارس کم و بیش تهیه شده و مخصوصاً حوادثی که هم عهد نویسنده کتاب است دوم تقسیم حوادث بسال برای کسی که بخواهد هر سالی وقایع فارس را مطلع شود سوم تهیه نقشه و مقدمات علمیه که برای مصنف بسیار پرحمت بوده ولی نقشه‌های متعددی که بعداً بوسیله آرتش انگلیس در موقع جنگ بین‌المللی اول تهیه شده کاملتر و جامع‌تر است و مقدمات علمیه را هم امروز اغلب دانشجویان مدارس ناچار هستند بیاموزند لیکن زحمت مصنف از این حیث شایسته است که نقشه فارس را شخصاً تهیه کرده است.

اما ارزش عمده کتاب در تراجم احوالی است که مصنف از مردمان معروف فارس بعمل آورده و اینکار در حد خود منحصر بفرد است برای شناختن مردم شیراز و فارس و خانواده و اختلاف آنها اثرات علمی و ادبی و خیرات و مبرات که از آنها صادر شده و اینکار متأسفانه در ایران تا کنون کمتر معمول بوده در حالیکه در دنیا کتابها بنام کیست (هوایز هو) در هر نقطه‌ای نوشته و چاپ شده است و شاید این تقها کتابی باشد که در ایران در این کار مهم اقدام کرده است.

در آخر کتاب فهرست جامعی برای دهات و مزارع فارس تهیه کرده است که در حد خود نادر است و بوسیله آن فهرست میتوان بسهولت هردهی از دهات فارس را شناخت بالاخره این کتاب یک ناحیه بزرگ و معروف ایران را بحدیکه توانسته است بر خواننده معرفی کرده است و بسیار مطالب متفرقه مفید دیگری را هم شامل است و تاریخ آن ناحیه را هم کم و بیش از بعد از اسلام بیان کرده است روی هم رفته می‌توان گفت این کتاب اسم با مسمی است و آنرا واقعاً فارس نامه باید خواند بطور کلی خدمت شایانی به آب و خاک و مسقط الرأس خود کرده و قدم بزرگی در راه علم و معرفت برداشته است و نام نیکی از خود بیادگار گذاشته بقول سعدی :

دولت جاوید یافت هر که نکونام زیست  
کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را  
وما در این مجلس نام آن مرد بزرگوار را بعد از سالها زنده می‌کنیم.